



وقتی آلاچیق، کتابخانه می شود!

گزارشی از دبستان پسرانه جلال آل احمد در منطقه ۱۶ تهران

سمانه آزاد

پایه، هر هفته به مدت ۴۵ دقیقه به کتابخانه می آمدند. من باید برای این مدت خودم را آماده می کردم. یعنی باید کتابها را می شناختم، رده های سنی کتابها را تشخیص می دادم و در نهایت می کوشیدم آنها را به جذاب ترین شکل ممکن معرفی کنم تا بچه ها مشتاق مطالعه شوند. مثلاً خلاصه داستان کتابی را تا نیمه تعریف می کردم تا خودشان ادامه کتاب را بخوانند یا تشویقشان می کردم که از مطالب کتابها کاردستی درست کنند. ابتدا فکر نمی کردم بچه ها بخوانند یا بتوانند این کارها را انجام دهند اما واقعا استقبال شد. آن دو سال از بهترین سالهای عمرم بود؛ چرا که متوجه شدم علاقه مند کردن بچه ها به کتاب و کتابخوانی کاری شدنی است.»

گرچه دو سال بعد، او از کتابخانه رفته بود و در بخش های دیگر به کار مشغول شده بود، هرگز تشویق بچه ها به مطالعه را فراموش نکرد؛ حتی وقتی که معاون مدرسه شد: «وقتی معاون مدرسه شدم نیز همین روند را ادامه دادم. صبحگاه در مدرسه ما فقط پیش زمینه رفتن به کلاس درس نبود. ما تلاش کردیم حتی از فضای صبحگاه برای خواندن کتاب استفاده کنیم. مثلاً کتاب شعری را انتخاب می کردیم. یک مصرع را من می خواندم و مصرع بعدی را بچه ها. به این ترتیب بچه ها با انرژی و شاد وارد کلاس می شدند؛ ضمن اینکه مشتاق خواندن کتاب هم می شدند. این کار را به مدت هفت سال انجام دادم و باز خوردی هم که از همکاران و دانش آموزان می گرفتم بسیار مثبت بود. الان هم برای دعاهای صبحگاه، از کتاب استفاده می کنیم. خوشبختانه کتابهای مناسبی در این باره برای کودکان و نوجوانان وجود دارد. هر

اشاره

«فقط تلاش کردیم آنچه را برای دانش آموزان مفید است انجام دهیم...» این جمله خلاصه حرفهای تبرک بزرگمهر، مدیر دبستان پسرانه جلال آل احمد، درباره موفقیتش در زمینه تشویق دانش آموزان به مطالعه است. مدرسه ای در تهران و در مرز مناطق ۱۱ و ۱۲ و ۱۶. دبستانی که قدمت آن به سال ۱۳۲۹ می رسد؛ با وجود این تا چند سال پیش خبری از کتابخانه در این مدرسه نبود. مدیر مدرسه می گوید: «زمانی که به مدیریت این مدرسه منصوب شدم کتابخانه مدرسه شامل یک اتاق کوچک بود که کتابها را در آن ریخته بودند و درس هم بسته بود.» اما حالا وضع فرق کرده است و با تلاش چهار ساله خانم بزرگمهر، حالا مدرسه جلال آل احمد کتابخانه ای دارد با بیش از ۵ هزار عنوان کتاب؛ با مخاطبانی که تشنه مطالعه اند و با خانواده هایی که ارزش مطالعه را درک کرده اند. آنچه می خوانید داستان تلاش و انگیزه های این مدیر برای ارتقای سطح مطالعه دانش آموزانش است.

بزرگمهر هفت سال است که در این مدرسه به عنوان مدیر خدمت می کند اما پیش از این، تجربه هایی داشته که در موفقیت امروز او بی تأثیر نبوده است: «من سالها معلم بودم و می دانم که محدود کردن دانش آموزان در چارچوب کتاب درسی آنها را ضعیف خواهد کرد. بنابراین سواد بچه ها باید گسترده باشد. قبل از حضور در این مدرسه، ۱۲ سال در مدرسه شاهد غنچه های انقلاب کار می کردم که کتابخانه گسترده ای داشت. دو سال در آن مدرسه متصدی کتابخانه بودم. دانش آموزان هر

روز چهار یا پنج نفر از بچه‌ها در صبحگاه این کتاب‌ها را که متناسب با سنشان هست، می‌خوانند. کلاً کتاب‌خوانی باعث شده اعتمادبه‌نفس بچه‌ها بالا برود و نحوه بیانشان و صحبت‌کردنشان خیلی بالاتر از سنشان به نظر برسد که نشان‌دهنده تأثیر مثبت مطالعه است. حالا دیگر خواندن کتاب جزئی از برنامه روزانه بچه‌ها شده است.»

چهار سال تلاش برای راه‌اندازی یک کتابخانه

حالا بزرگمهر هفت سال است که مدیر دبستان جلال آل احمد است. مدرسه‌ای با ۴۰۳ دانش‌آموز و ۵۸۳۰ عنوان کتاب در کتابخانه‌اش. اما برای رسیدن به این نقطه راه همواری در پیش نبوده است چنان که خودش می‌گوید: «وقتی وارد این مدرسه شدم متوجه شدم کتابخانه ندارد. فقط یک اتاق خیلی کوچک داشت که کتاب‌ها را آنجا ریخته بودند و درش هم بسته بود. چهار سال طول کشید تا ما توانستیم کتابخانه را با کمک خیرین سرپا و قابل استفاده کنیم. اکنون کتابخانه مدرسه علاوه بر منابع مناسب دانش‌آموزان، منابع مفیدی برای معلمان و اعضای خانواده‌ها دارد. حتی گاهی خواهر یا برادر یک دانش‌آموز که دانشجو است، به کتابخانه مدرسه مراجعه می‌کند. خانواده‌ها و معلمان هم معمولاً از کتاب‌های تربیتی استقبال می‌کنند.»

گام اول: آشتی خانواده‌ها با مطالعه

تشویق مخاطبان به مطالعه و چشاندن لذت آن به دانش‌آموزان، برای خانم بزرگمهر از تجهیز کتابخانه هم مهم‌تر بود؛ و پیش از خود دانش‌آموزان او می‌بایست خانواده‌هایشان را با کتاب آشتی می‌داد: «اولین گام ما برای نهادینه کردن مطالعه، تشویق خانواده‌ها و جا دادن کتاب و مجله در سبدهای خانواده‌ها بود. چون وقتی کاری را از خانواده شروع کنیم ریشه‌ای‌تر و ماندگارتر خواهد بود. ما در جلسات انجمن اولیا و مربیان، مجلاتی را تهیه کردیم و روی میز قرار دادیم. آن‌ها وقتی وارد جلسه شدند مدتی مجلات را ورق زدند و خواندند. بعد اعلام کردیم که می‌توانند مجلات را به‌عنوان هدیه با خود ببرند. این موضوع چندین بار اتفاق افتاد و کم‌کم استقبال شد.»

بعد از خانواده‌ها نوبت به دانش‌آموزان می‌رسد و مجلات رشد هم اولین منابعی هستند که در کنار کتاب درسی ایفای نقش می‌کنند: «ما برای تقویت مهارت خواندن دانش‌آموزان و تشویق‌شان به مطالعه در شروع کار از مجلات «رشد» یا مجلاتی مثل «دوست» استفاده می‌کنیم. معلمان به تناسب درس، از بخش‌های گوناگون مجله استفاده می‌کنند. گاهی از دست‌ساخته‌های بچه‌ها هم که تحت تأثیر آموزش‌های مجلات ساخته‌اند، نمایشگاهی برگزار می‌کنیم. گاهی نیز بچه‌ها با هم مجله را می‌خوانند.»

اما این همه ماجرا نیست؛ در این مدرسه فقط دانش‌آموزان به مطالعه تشویق نمی‌شوند، معلم‌ها هم اهل مطالعه شده‌اند. «در این هفت سال همه همکاران مدرسه را هم مشترک مجلات

رشد کردیم؛ از جمله رشد آموزش ابتدایی، تکنولوژی آموزشی و معلم. و برای آن که مطالعه هیچ‌گاه کمرنگ نشود، یکی از معاونان سؤالاتی را از مجلات طرح کرد تا معلمان پاسخ دهند و ما هم هدیه‌های نقدی کوچکی را برایشان در نظر گرفتیم که استقبال خوبی شد.»

و کم‌کم کتاب‌های دیگر وارد کلاس می‌شوند: «در بازار کتاب‌هایی هست که مخصوص آموزش و تمرین یک حرف از حروف الفباست؛ یعنی دانش‌آموزان کلاس اول هر حرف را که یاد می‌گیرند، می‌توانند کتاب مخصوص به آن حرف را هم بخوانند. ما برای ارتقای سطح سواد خواندن بچه‌ها، این کتاب‌ها را به اولیا معرفی می‌کنیم. چون قیمت مجموعه کتاب‌ها ممکن است برای یک خانواده بالا باشد، ما پیشنهاد می‌دهیم که چند خانواده با هم یک مجموعه را تهیه کنند و بچه‌ها به نوبت کتاب‌ها را بخوانند. به این ترتیب بچه‌ها استفاده مشترک را هم یاد می‌گیرند. علاوه بر این کتابخانه کلاسی هم در هر کلاس وجود دارد که خود بچه‌ها متصدی آن هستند.»

کتاب‌خوانی در آلاچیق

استفاده از کتابخانه هم گرچه نظام‌مند است اما محدودیتی ندارد. زنگ علوم، فارسی و انشاء فرقی با هم ندارد. مهم رفت‌وآمد بیشتر به کتابخانه و استفاده از کتاب‌هاست: «معلمان باید هر هفته بچه‌ها را به کتابخانه ببرند. گرچه بیشتر در

زنگ فارسی برای این کار استفاده می‌کنیم؛ ولی از همکاران خواسته‌ایم خود را محدود به این درس نکنند. گاهی ممکن است بچه‌ها سر درس مطالعات اجتماعی یا برای نوشتن انشا به کتابخانه بروند. مهم این است که انس و الفت بین بچه‌ها با کتاب و کتابخانه اتفاق بیفتد. برای ایجاد تنوع هم گاهی با معلم‌شان کتاب را در آلاچیق حیاط مدرسه می‌خوانند تا بدانند هر جایی می‌توان کتاب خواند. به‌طور کلی فعالیت‌های مدرسه در زمینه مطالعه فقط محدود به هفته کتاب و مناسبت‌های این‌چنینی نیست. ما معمولاً چندین بار در سال نمایشگاه کتاب برگزار می‌کنیم که خانواده‌ها هم در آن حضور پیدا می‌کنند. گاهی از نویسندگان و تصویرگران کتاب‌ها هم دعوت می‌کنیم تا دانش‌آموزان از نزدیک با آن‌ها دیدار کنند.»

چه چیزی بهتر از کتاب؟

خانم بزرگمهر موفقیت‌های مدرسه را در علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به مطالعه، مرهون همکاری معلمان مدرسه می‌داند: «همه همکاران ما به این موضوع علاقه‌مندند. آن‌ها می‌دانند که اگر خواهان رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان هستیم باید از کتاب و مطالعه کمک بگیریم.»

کتاب‌های داستان اکنون یکی از ملزومات اصلی کیف‌های بچه‌های پایه اول دبستان است. گویی معلمان اول و همه پایه‌های

در نمایشگاه‌هایی که برای بچه‌ها برگزار می‌کنیم گاهی از یک نویسنده و تصویرگر هم دعوت می‌کنیم تا دانش‌آموزان از نزدیک با او دیدار کنند



مدرسه آل احمد مشکلی به نام کمبود وقت ندارند. خانم بزرگمهر می‌گوید: «همه می‌دانیم که در دوران ابتدایی یادگیری بچه‌ها در هر زنگ در حدود ۷ دقیقه است. معلم همه هنرش را به کار می‌گیرد تا مطالب آموختنی خود را در این هفت دقیقه آموزش دهد. در بقیه ساعت باید تکرار و تمرین را چاشنی کارش قرار دهد و برای این کار چرا از کتاب استفاده نکند؟»

پرورش ذهن پرسشگر

طی هفت سال مدیریت در این مدرسه، تبرک بزرگمهر با همکاری معلمان مدرسه توانسته کتابخانه‌ای راه بیندازد تا دانش‌آموزان و خانواده‌ها از آن استفاده کنند. اما آیا این تلاش‌ها ثمره روشنی داشته است؟ با چه معیاری می‌توان میزان اثرگذاری افزایش مطالعه بر دانش‌آموزان را اندازه گرفت؟ بزرگمهر در این باره می‌گوید: «شاید بهتر باشد با یک مثال پاسخ شما را بدهم. وقتی دانش‌آموزان ما برای بازدید به موزه‌ها یا مکان‌های دیگر می‌روند، مسئولان این مراکز می‌گویند «سوالاتی که دانش‌آموزان شما می‌پرسند خیلی با سوالات دانش‌آموزان دیگر فرق دارد.» دانش‌آموزی که اهل مطالعه است، ذهن پرسشگری دارد و هر چیزی را به راحتی قبول نمی‌کند.

همه همکاران و بچه‌ها می‌دانند که بهترین هدیه در مدرسه ما کتاب است و اگر بخواهند هدیه‌ای برای مدرسه تهیه کنند، چیزی بهتر از کتاب نیست

اگر شما بپرسید متوجه می‌شوید که مدارس دوره اول متوسطه منطقه‌های اطراف، خیلی مشتاق خروجی‌های مدرسه ما هستند تا از آن‌ها ثبت‌نام کنند. همین که می‌گویند از مدرسه جلال آل احمد آمده‌ایم با اشتیاق از آن‌ها استقبال می‌کنند. سال اولی که در اینجا شروع به کار کردم تعداد دانش‌آموزان مدرسه به ۲۰۰ نفر هم نمی‌رسید؛ اما حالا از مناطق دورتر هم برای ثبت نام تقاضا داریم در حالی که شاید خانواده‌ها باید چند مدرسه را بگذرانند تا به مدرسه ما برسند. کتابخوان شدن بچه‌ها بر همه جنبه‌های شخصیتی آن‌ها و از جمله مهارت خواندن بر موفقیت تحصیلی آن‌ها هم اثر گذاشته است. وقتی این بازخوردها را می‌بینم متوجه تأثیرگذاری مطالعه می‌شوم و خستگی چهار سال تلاش برای ایجاد کتابخانه از من دور می‌شود. در این مواقع است که فکر می‌کنم شاید کمی توانسته‌ام از رسالتی را که بر دوشم بوده انجام دهم.»

معلم، دانش‌آموز، کتاب‌نامه

در مدرسه جلال آل احمد برای تجهیز کتابخانه، هم از معلمان و هم از دانش‌آموزان نظرخواهی می‌شود. خانم بزرگمهر درباره نحوه تجهیز کتابخانه می‌گوید: «گاهی خانواده‌ها کتاب‌هایی را اهدا می‌کنند که بیشتر آن‌ها برای بچه‌ها قابل استفاده نیست؛ به‌همین دلیل برای انتخاب منابع مناسب از معلمان کمک می‌گیریم. آن‌ها کتاب‌ها و منابعی را که طی سال به آن احتیاج داشته‌اند، اما در کتابخانه نبوده، می‌نویسند تا تهیه کنیم. گاهی خود دانش‌آموزان هم منابعی را می‌خواهند که مدرسه تهیه می‌کند. از سال‌های قبل هم با کتاب‌نامه رشد آشنایی داریم و برای انتخاب کتاب از آن استفاده می‌کنیم. گاهی هم همکاران منبعی را که برای مدرسه مناسب تشخیص می‌دهند تهیه می‌کنند و ما هزینه آن را پرداخت می‌کنیم. نمایشگاه یاد یار مهربان هم کمک و فرصت خوبی برای تهیه کتاب است؛ گرچه کافی نیست؛ همین‌طور است نمایشگاه منادی تربیت. حالا دیگر همه همکاران و بچه‌ها می‌دانند که بهترین هدیه در مدرسه ما کتاب است و اگر بخواهند هدیه‌ای برای مدرسه تهیه کنند، چیزی بهتر از کتاب نیست.»

کشف لذت خواندن

کتابخانه دبستان جلال آل احمد چندان بزرگ نیست، اما با وجود این، کتاب‌هایی را در خود جای داده است که هر کدام دانش‌آموزان را گامی به جلو می‌برد. میز و صندلی‌ها هم چندان مناسب کتابخانه نیستند؛ اما آنچه در این مدرسه مهم است میز و صندلی نیست، دانش‌آموزانی است که با کمک مدیر و معلمشان لذت خواندن را کشف کرده‌اند و می‌دانند با خواندن می‌توانند ظرف ذهن خود را بزرگ‌تر کنند و در عمر و تجربه انسان‌های دیگر شریک شوند؛ و مهم خانواده‌هایی هستند که حتی اگر نمی‌توانند به تنهایی کتابی را تهیه کنند، همراهی می‌کنند تا دانایی را با هم به اشتراک بگذارند.

